

تاریخ به چنین حکایتها آراسته گردد...د

# از چنین حکایتها

گزیده

تاریخ بیهقی

انتخاب و توضیح

دکتر محمد جعفر یاحقی



انتشارات معین

## سخنی با خواننده

آدمی تنهاست. اگر بر این خاک کاخی رفیع بنا کند، اگر گروهی انبوه را پیرامون خود گرد آورد، اگر ثروتی بی‌کران ببندد، باز تنهاست و می‌کوشد تا در این تنهایی معنی و مفهومی برای زندگی خود پتراشد. سهل‌انگاران به مفهومی حقیر قناعت می‌کنند و عمر را در ابتذالِ روزمرگی به پایان می‌برند اما هستند کسانی که بیش و بیشتر می‌جویند و بر آنند که قدرِ عمر آدمی نه همین است که می‌بینیم. مجموعه «گنج حکمت» برای این کسان و با این هدف فراهم آمده است تا گامی هر چند کوچک در این مسیر بردارد و بر آن است تا به انگیزه یافتن مفاهیم بلند انسانی آنچه را از میراث ادب فارسی مناسب حالِ اکنونیان می‌بیند ارائه دهد.

وجه مشترک متنهای برگزیده در این مجموعه این است که خواننده گاه تلنگری بر وجدان خود احساس می‌کند و گاه سوزش تازیانهای را بر جان خود می‌چشد. گاه از رفعتِ کلامی که می‌خواند به لرزه می‌افتد، و گاه از لطافتِ سخنِ اشک از دیده می‌افشانند. گاه حلاوتی وصف‌ناپذیر در کام خود می‌یابد و گاه تلخی گزنده‌ای بر جانش می‌نشیند؛ اما آنچه در همه حال با اوست اجبار به اندیشیدن و تأمل است.

متنهای انتخاب شده برای این مجموعه اگر چه ناشناخته نیستند، بی‌تردید به اندازه‌ای که باید و شاید خواننده نشده‌اند. از این رو، بنای فراهم‌آوردگان این مجموعه بر آن بوده است که از هر جهت، متنی گیرا و تأثیرگذار به دست

دهند تا لااقل این اندازه از میراث گرانبهای ادب پارسی خواننده و فهمیده شود و در بهترین صورت، میل و رغبتی در خواننده برای مطالعه اصل متون برانگیزد.

آنچه بخش عمده این مجموعه را تشکیل می‌دهد حکایت است. زیرا بسیاری از نویسندگان، خصوصاً نویسندگان صوفیه، عموماً از قالب حکایت، به سبب توانایی آن در جلب مخاطب و همچنین سهولت یادسپاری، برای بیان مقصود خود استفاده کرده‌اند. بنا بر این مطالعه کتابهایی که در زمره این مجموعه منتشر می‌شوند خالی از لذت نیست اما این سخن شمس تبریزی را نباید از نظر دور داشت که: «غرض از حکایت، معامله حکایت است نه ظاهر حکایت که دفع ملالت کنی به صورت حکایت، بلکه دفع جهل کنی.» نویسندگان این متون نیز حکایت را از برای دفع ملال نیاورده‌اند بلکه باور آنها بر این بوده است که «قصه چون پیانه است و معنی اندر وی بسان دانه است».

در این مجموعه فقط به آثار منثور پارسی پرداخته شده است و انتخابها کار استادانی است که غالباً آن آثار را تصحیح کرده و با احاطه و اشرافی که به محتوای اثر داشته‌اند ضمن انتخاب بهترین فرازها کوشیده‌اند تا با حرکت‌گذاری روی کلمات و علامت‌گذاری صحیح و آوردن معانی واژه‌ها و عبارات عربی و نیز ایراد توضیحات مختصر در موارد لازم و همچنین نگارش مقدمه‌ای در شناخت اثر و مؤلف آن، خواننده را کمابیش در خواندن متون قدیم یاری دهند.

م.ش.

## فهرست

- ۹..... احوال و آثار ابوالفضل بیهقی
- ۱۵..... درمان خشم
- ۱۷..... بردباری نصرین احمد
- ۲۰..... قصه خیشخانه
- ۲۷..... دل ضعیف، دل قوی
- ۲۹..... افشین و بودلف
- ۳۹..... حسنگ بر بالای دار
- ۵۷..... داستان جنگ عبدالله زبیر با حجاج
- ۶۲..... سرگذشت سبکتگین
- ۶۶..... سبکتگین و آهو
- ۶۹..... حکایت موسی با بره گوسپند
- ۷۰..... یعقوب لیث در نیشابور
- ۷۲..... طغرل عضدی در مجلس امیر یوسف

۷۵	سیل در غزنین .....
۷۸	هنر و گهر .....
۷۹	هدایای سوری از خراسان .....
۸۳	یحیی برمکی در برابر هارون .....
۹۵	نبرد نشابوریان با طوسیان .....
۱۰۰	حکایت سیاست کردن سبکتگین .....
۱۰۳	جشن مهرگان .....
۱۰۶	حکایت هارون با دو زاهد .....
۱۱۲	کفشگر جاسوس .....
۱۱۴	حکایت علی قَهَنَدِزِی و گرفتاری او .....
۱۱۸	قصه امر منصورِ نوح سامانی .....
۱۲۴	مَثَلها و گزین گفته ها .....

### حوال و آثار ابوالفضل بیهقی

ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی نویسنده و مورخ نامدار ایران در سال ۳۸۵ قمری در دِه حارث آباد بیهق، واقع در دو فرسنگی جنوب سبزوار کنونی، ولادت یافت. از خانواده و روزگار کودکی و نوجوانی او اطلاعی نداریم. ظاهراً تحصیلات ابتدایی را در بیهق و مراحل بالاتر را در نیشابور گذرانید. در ۲۷ سالگی به خدمت دستگاه غزنویان درآمد و در دیوان رسالت، که تمام مکاتبات و ارتباطات خارجی حکومت غزنوی از آن طریق صورت می‌گرفت، کنار دست بونصر مُشکان نویسنده چیره‌دست روزگار خود به کار پرداخت و مورد توجه خاص وی قرار گرفت و نوزده سال پیش او شاگردی کرد و فنون نویسندگی را از وی فراگرفت. بنا بر این باید گفت بیهقی دوران سلطنت دو تن از بزرگترین امیران غزنوی را درک کرده و بر جریان حوادث تاریخ دربار غزنوی از نزدیک نظارت داشته است.

بونصر، پیش از مرگ خود (به سال ۴۳۱)، به مسعود سفارش کرده بود که بیهقی را جانشین وی کند، اما مسعود به‌رغم این سفارش، ریاست دیوان رسالت را به بوسهل زوزنی داد، که میانه بیهقی با وی چندان خوب نبود. بیهقی از سمت خود کناره گرفت اما استعفاى او

مورد قبول سلطان واقع نشد و او ناچار به عنوان معاون بوسهل به کار خود ادامه داد. مسعود در سال ۴۳۲ در پی شورش که پیش آمد به دست غلامان خود کشته شد. بیهقی در دوره سلاطین بعدی هم همچنان محترم بود؛ اما پس از مودود (پسر مسعود) و طی مدّت کوتاه دست به دست شدن حکومت میان چند امیر دیگر غزنوی، بر اثر بدگویی مخالفان مورد بی‌مهری قرار گرفت و مدتی به زندان افتاد و خانه‌اش غارت شد؛ که در این غارت مقداری از اسناد تاریخی و یادداشتهایی که فراهم آورده بود از دست رفت.

بعد از رهایی از زندان، دیگر به کار دولتی نپرداخت و از سال ۴۴۸ به تنظیم و بازنویسی یادداشتهای خود پرداخت و بخش موجود کتاب خود یعنی تاریخ بیهقی فعلی را تا سال ۴۵۱ به پایان برد.

بیهقی در واپسین سالهای عمر، تمام وقت خود را به تألیف کتاب خویش اختصاص داد و سرانجام در ماه صفر ۴۷۰ در غزنه درگذشت و ظاهراً در همان شهر هم به خاک سپرده شد.

بیهقی چند اثر به فارسی داشته که بعضی از آنها در طول زمان از میان رفته است. اما بی‌تردید مهمترین و ماندگارترین اثر ابوالفضل بیهقی تاریخ مسعودی معروف به تاریخ بیهقی است که در قلمرو نثر فارسی در زمره دو سه اثر شاخص و طراز اول قرار می‌گیرد. بدبختانه همه این کتاب به دست ما نرسیده بنا بر این نام واقعی آن هم به درستی بر ما روشن نیست. آنچه امروز به دست ما رسیده چیزی کمتر از

یک پنجم اصل کتاب است. بخش موجود از وقایع بعد از مرگ محمود (سال ۴۲۱) آغاز شده و تا پایان کار سلطان مسعود غزنوی ادامه یافته است. بنا بر این به تاریخ مسعودی و یا چنان‌که بیشتر رسم شده به نام خود او به تاریخ بیهقی موسوم شده است، در حالی که اصل کتاب بیهقی از حوادث سال ۴۰۹ در زمان سلطنت محمود غزنوی آغاز شده و تا اندکی قبل از درگذشت وی (به سال ۴۷۰) یعنی شرح وقایع حدود نیم قرن از تاریخ غزنویان را در بر می‌گرفته است.

نوشته‌اند که تاریخ بیهقی در اصل سی مجلد بوده اما آنچه امروز با این نام به دست ما رسیده از وقایع اواخر مجلد پنجم آغاز می‌شود و به باب اول مجلد دهم پایان می‌یابد، به اضافه باب خوارزم از وقایع سلطنت محمود، و باقی آن بر اثر حوادث تاریخی و جز آن از میان رفته است.

تا روزگار بیهقی کتابهای تاریخ معتبری، همچون تاریخ بلعمی، تاریخ سیستان، زین الاخبار یا تاریخ گردیزی، به فارسی، نوشته شده ولی هیچ‌یک به دقت و زیبایی کار بیهقی از آب در نیامده است. او روشی دقیق و سبکی زنده و جامع در تاریخ‌نگاری برگزیده است که پیشینیان او از آن استفاده نکرده‌اند. همه منابع پیش از خود را خوانده و آنچه را دیده و از افراد مورد اطمینان شنیده نیز بر آن افزوده است.

زبان تاریخ بیهقی شیوا و شیرین و نزدیک به زبان گفتار است و در آن صدقاتی دیده می‌شود که خواننده آنرا در ردیف بهترین و